



"خواندن" اثر معماری تاریخی و نسبت آن با "سنت زندگی"

با تکیه بر آرای فلسفی سید حسین نصر

حسین کتولی^{۱*} - محمد مسعود^۲

۱- پژوهشگر دوره دکتری مرت و احیای بناهای تاریخی دانشگاه هنر اصفهان. Email: h.katooli@gmail.com. 09111719082

۲- دانشیار دانشگاه هنر اصفهان. Email: massoud53@live.com

چکیده

زمینه و هدف:

برای حفاظت از معماری سنتی، اولین قدم شناخت و قرائت اثر است و جواز مداخله برای حفاظت و مرمت، از شناخت صحیح به دست می‌آید. امروزه شناخت بنا بیشتر ناظر به کالبد و ظاهر آسیب‌دیده بنا است و محدود به فن‌شناسی و آسیب‌شناسی یا جستجوهای اسنادی و کتابخانه‌ای پیرامون تاریخچه، کاربری، سازنده و ... می‌گردد، اما اتفاق نظر وجود دارد بر اینکه بنای سنتی ارزشمند، فراتر از صورت ظاهری خود بوده و دارای روح و باطن است. بنابراین، برای شناخت صحیح از یک اثر سنتی، علاوه بر ویژگی‌های کالبدی باید جنبه‌های باطنی اثر نیز شناخت و قرائت گردد. هدف این مقاله کشف و قرائت روح بنای سنتی از طریق شناخت سنت زندگی و یافتن ارتباط آن با کالبد است تا با دستیابی به شناخت صحیح از تمام جوانب اثر گامی به سوی حفاظت صحیح برداشته شود.

روش: برای کشف روح بنای تاریخی در پی کشف سنت زندگی خواهیم بود و از نظرات سید حسین نصر - فیلسوف سنت گرا- برای تبیین شاخصه‌های سنت، سنت زندگی ایرانی و باطن معماری سنتی استفاده می‌کنیم و با استفاده از روش توسعه نظریه مبنایی-گراندد تئوری- آن را به حوزه حفاظت معماری و قرائت اثر تعمیم می‌دهیم.

یافته: هنر سنتی از سنت و سنت از امر قدسی ریشه می‌گیرد. و سنت داری قواعدی لایتغیر در کنار واقعیت‌هایی متغیر بر حسب زمان است. سید حسین نصر به تعریف سنت و ارتباط آن با امر قدسی و هنر سنتی می‌پردازد. با در نظر گرفتن عامل سودمندی برای هنر سنتی و آمیختگی هنر با زندگی، از دیدگاه وی، یکی از مظاهر سنت، شیوه زندگی در کالبد بنای معماری سنتی است. بنابراین روح بنای تاریخی، زندگی مبتنی بر سنتی است که از امر قدسی سرچشمه گرفته و راه دریافت این روح، درک کامل زندگی ای می‌تواند باشد که در آن بنا جاری بوده است و اصول ثابت سنت زندگی قابل خوانش و احیا در حفاظت معماری است. وی تجلی امر قدسی را در سه ساحت وحی، طبیعت و انسان می‌داند.

نتیجه: روش ارائه شده در این مقاله، روشی برای قرائت بنای سنتی مبتنی بر شناخت روح و کالبد است که می‌تواند مقدمه‌ای برای نگرشی جدید در حوزه حفاظت از بناهای سنتی تلقی گردد. نگرشی که برخلاف روش‌های متداول، حفاظت از روح بنای سنتی را همانند کالبد آن مورد توجه قرار می‌دهد. بر مبنای تفکر سنتی هنگامی که زندگی انسان در تعادل بین چهار رابطه انسان با خداوند، انسان با طبیعت، انسان با دیگر انسان‌ها و انسان با خود خویشتن قرار گیرد می‌تواند مطلوب‌ترین کیفیت را ایجاد کند کشف این روابط در بستر کالبدی در شکل‌گیری اثر معماری و حفاظت از آن، اصلی‌ترین دغدغه معمار و راه قرائت باطن اثر است. حاصل کار جایگاه حفاظت گر را از یک تعمیرکار ساختمان به قاری جان اثر به منزله ذاکر - یاد آور- و احیاگر زندگی حقیقی ارتقا می‌دهد.



واژه‌های کلیدی: سنت زندگی، حفاظت معماری، قرائت اثر، سید حسین نصر.

مقدمه

بناهای تاریخی باقی مانده از گذشته کتاب تاریخی معتبر و با ارزش برای عبرت انسان‌ها هستند که علاوه بر ارائه اطلاعاتی درباره کیفیت زندگی انسان و محیط طبیعی (زیست‌بوم) نسل‌های گذشته، عرصه‌ای را فراهم می‌کنند که انسان می‌تواند با نیاکانش تماسی عاطفی برقرار نماید، نقشی که شاید هیچ عنصر دیگری نتواند برعهده گیرد. این نقش جایگاهی خاص برای میراث فرهنگی در روان آدمی پدید می‌آورد و ضرورت حفاظت^(۱) از این آثار را روشن می‌کند.

در تمام جوامع اتفاق نظر بر اهمیت حفاظت از بناهای تاریخی وجود دارد، اما مبانی و روش آن متفاوت است. حفاظت در جوامع غربی به تبعیت از اندیشه مدرن بیشتر ناظر بر کالبد و مجموعه ساختارهای بیرونی بنا و حفاظت سازه‌ای بوده است. در مقابل این طیف، در جوامع شرقی، به دلیل اهمیت معنا، ورای صورت فیزیکی، حفاظت از معنا و روح بنا در اولویت قرار دارد. اما در بین تمامی روش‌های حفاظت، نقاط مشترکی وجود دارد که یکی از آن‌ها اهمیت شناخت، قبل از مداخله و حفاظت است.^(۲)

نحوه شناخت، خط مشی دخالت و حفاظت را مشخص می‌کند و جواز دخالت در یک اثر تاریخی^(۳)، از شناخت و قرائت^(۴) صحیح بدست می‌آید. برای شناخت صحیح، لازم است تمام شئون اثر به درستی شناخته و قرائت شود. امروزه شناخت بنا بیشتر ناظر به کالبد و ظاهر آسیب‌دیده بنا است و محدود به فن‌شناسی^(۵) و آسیب‌شناسی^(۶) یا جستجوهای اسنادی و کتابخانه‌ای پیرامون تاریخچه، کاربری، سازنده و ... بنا می‌گردد، اما اتفاق نظر وجود دارد بر اینکه بنای تاریخی ارزشمند در پس کالبد و ظاهر خود دارای روح و باطن است. در قرائت اغلب آثار هنری سنتی، قرائت رمزگونه و نمادین یک ویژگی عام تلقی می‌شود و بسیاری از متفکران آن را مورد نظر داشته و درباره اش بحث‌های مفصلی کرده‌اند. (گنون، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۶۲ و بورکھات، ۱۳۷۶: ۱۵۶-۱۳۱) ولی کمتر بدین نکته توجه داشته‌اند که اینگونه نگرش به آثار هنری و به ویژه آثار معماری، در سنت اسلامی هم مسبوق به سابقه است. چنان که ابن عربی حج و کعبه را تاویل کرده و معانی و اشارات باطنی آن را طی مباحثی طرح نموده است و حتی شکل مکعب و یا اندازه بلندی دیوار آن را در این تاویل خود مورد توجه قرار داده است. (ابن عربی، ۱۳۷۸: ۳)

بنابراین برای شناخت صحیح یک اثر تاریخی، علاوه بر ویژگی‌های کالبدی باید جنبه‌های باطنی اثر نیز شناخت و قرائت گردد. به عبارت دیگر، تلاش در جهت یافتن قواعدی نو جهت قرائت اثر تاریخی متناسب با مبانی فکری شرقی و ایرانی ضروری است، به گونه‌ای که جان را بر جسم و روح را بر کالبد و خواسته را بر نیاز مقدم قرار دهد و این مهم نه به معنی غفلت و نادیده گرفتن ساختارها و انتظام‌های کالبدی بلکه در جهت احیاء جایگاه حقیقت باطنی، در قرائت بنای تاریخی است. برای کشف و قرائت روح و باطن آثار معماری سنتی و حقیقتی که ورای کالبد ظاهری بوده و از سرچشمه‌ای غیرمادی نشأت می‌گیرد، ابتدا باید به مبانی نظری و ریشه‌های به وجود آورنده معماری سنتی پردازیم. گروهی از فلاسفه که به حقیقت معنوی هنرهای سنتی من جمله هنر معماری می‌پردازند، فلاسفه سنت‌گرا هستند. بنابراین، مطالعه از آثار سنت‌گرایان، به خصوص آراء فلسفی سید حسین نصر^(۷)، می‌تواند به یافتن حقیقت روح کالبد سنتی کمک کند. به عقیده آنان تمام وجوه انسان سنتی شامل روش زندگی و نوع نگاه به خود و جهان، ساخته‌های دست او و ... مبتنی بر اصول سنت است. این سنت مبتنی بر حقیقتی قدسی و ازلی است که بی‌زمان و بی‌مکان بوده و در جوامع مختلف به صورت‌های متفاوت ظهور می‌یابد.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

در خصوص موضوع مستقیم این مقاله یعنی "حفاظت معماری و نسبت آن با سنت زندگی" تاکنون هیچگونه مطالعه یا تحقیق مستقلی صورت نگرفته است ولی چون این موضوع استعداد گسترش مفهومی به رویکردهای مرمتی را دارد می‌شود از لابه لای مباحث مربوط به مبانی نظری حفاظت معماری و علل و عوامل شکل‌گیری نظریه‌های مرمت و حفاظت در تاریخ این رشته، پیشینه نظری کلمات کلیدی این مقاله را جستجو کرد. البته گفتنی است که در حوزه شناخت‌شناسی معماری، حتی در همین معنای وسیع نیز، به طور خاص به این مسئله پرداخته نشده و شاید بتوان اشاراتی در این مورد یافت یا با تحلیل سخنان